



برای ایران فراخوان ۱۵

انجمن پادشاهی خواهان پیشرو

padeshahi1339@hotmail.com

A.O.P.R. For Iran, Postfach 740163, 60570 Frankfurt, Germany



پهلوی!

یک نام:

یک صدا

باید در مبارزات مردم در هر شکل و سطحی که هست شرکت جویم و آن را ارتقا ببخشیم!
پیش بسوی سازماندهی مبارزات ملی-انقلابی ملت ایران!

فعالیت‌های پنهان سپاه و مزدوران رژیم در خارج از کشور

اظهارات اخیر کابلی مور-گیلبرت، استاد بریتانیایی-استرالیایی و زندانی پیشین جمهوری اسلامی، باری دیگر ابعاد تازه ای از فعالیت‌های مخفی سپاه پاسداران و عوامل وابسته به رژیم ایران در بیرون از مرزها را آشکار کرده است. مور-گیلبرت که ۸۰۴ روز از عمر خود را در زندان اوین به دست سپاه پاسداران به اسارت گذراند، در گفتگویی با گاردین، از احساس ناامنی و ترس دائمی ایرانیان مقیم استرالیا سخن گفت. او به صراحت اعلام کرد که عوامل سپاه، هواداران و خبرچین‌های رژیم در استرالیا فعال هستند و اطلاعات مربوط به مخالفان را به تهران منتقل می‌کنند.

این گفته‌ها تاییدی بر گزارش‌های متعددی است که سالها در مورد فعالیت‌های برون مرزی جمهوری اسلامی منتشر شده‌اند. حکومت ایران با صرف هزینه‌های کلان، شبکه‌ای پیچیده از عوامل نفوذی را در کشورهای مختلف، به ویژه در میان جوامع ایرانیان خارج از کشور، ایجاد کرده است. این شبکه تنها به جذب مزدوران سودجو محدود نمی‌شود. رژیم با استخدام افرادی از کشورهای دیگر، به ویژه از کشورهای عربی و آفریقایی، سعی در پیشبرد اقدامات خشن و وحشیانه خود علیه مخالفان و آزادیخواهان دارد. این افراد که اغلب به عنوان نیروهای نیابتی عمل می‌کنند، برای انجام عملیات‌های نظارتی، ارباب، و حتی ترور استفاده می‌شوند تا ردپای مستقیم حکومت در این اقدامات پنهان بماند.

فعالیت‌های سپاه پاسداران در خارج از کشور تنها به جمع‌آوری اطلاعات و ارباب محدود نمی‌شود. همانطور که سازمان اطلاعات امنیت استرالیا اعلام کرده، شواهد معتبری مبنی بر دخالت فرماندهان سپاه در اقدامات تروریستی وجود دارد. تصمیم دولت استرالیا برای قرار دادن سپاه در فهرست سازمانهای تروریستی پس از این افشاگرها، نشان می‌دهد که تهدید این سازمان در خاک کشورهای دیگر چقدر جدی است. هدف اصلی این اقدامات رژیم، از یکسو پراکندن این توم در میان ایرانیان برون مرز است که انگار همچنان در قدرت کامل به حکومت کردن ادامه می‌دهد و از سویی دیگر؛ ایجاد فضایی از ترس و ناامنی است تا مخالفان نتوانند به راحتی فعالیت کرده و صدای خود را به گوش جهانیان برسانند. این تاکتیک نه تنها برای ساکت کردن فعالان سیاسی و مدنی به کار می‌رود، بلکه به قصد خاموش کردن هرگونه اعتراض یا فعالیت در خارج از کشور است که خود نمایانگر ماهیت حکومت مافیایی جمهوری ننگین اسلامی است. با این وجود، افشاگریهایی مانند اظهارات خانم مور-گیلبرت و تصمیم‌های دولتهای جهان آزاد، نشان‌دهنده افزایش آگاهی جهانی نسبت به این تهدیدات است و هازمان (جامعه) ایرانی مقیم این کشورها نه تنها نباید مرعوب این سیاست‌های وحشیانه رژیم بشوند، بلکه باید آنرا نشانه ضعف رژیمی رو به پایان تلقی کرده که آخرین تیر هایش را در تاریکی به قصد بقا، رها می‌کند.

نقد، کلید رهایی از انجماد فکری

در جوامعی که سالها تحت سلطه استبداد بوده اند، مفهوم نقد اغلب با "تخریب"، "مخالفت ورزی" و "تضعیف" یکی گرفته می‌شود. این نگاه منفی، ریشه‌ای تاریخی دارد که در آن هرگونه ابراز نظر مخالف با "نظر حاکم" مجازات داشته و سرکوب می‌شده است. شوربختانه این تفکر در ضمیر ناخودآگاه بسیاری از ایرانیان، حتی در میان نخبگان، رسوخ کرده و باعث شده تا از نقد به مثابه یک ابزار ارزشمند برای رشد و توسعه اجتماعی دوری گزینند. **نقد در واقع سلاحی نیست برای نابود کردن، بلکه ابزاری است برای بازسازی، روشن‌سازی و پالایش.**

نقد سازنده به ما اجازه می‌دهد تا به جای پذیرش کورکورانه، هر پدیده یا نظریه‌ای را از زوایای گوناگون بررسی کنیم. این بررسی، می‌تواند به کشف نقاط ضعف و قوت یک ایده منجر شود. برای نمونه، نقد پدیده‌ای مانند "اعمال خشونت" در جامعه، به ما کمک می‌کند تا دلایل ریشه‌ای آنرا بشناسیم، پیامدهای آن را تحلیل کنیم، و راهکارهایی موثر برای مقابله با آن بیابیم. **بدون نقد، جامعه به سکون و انفعال کشیده می‌شود و توانایی خود را برای پاسخ به چالش‌های نو از دست می‌دهد.**

اگر نقد را یک ابزار بدانیم، گفتمان آزاد بستری است که این ابزار در آن به کار گرفته می‌شود. نبود گفتمان آزاد، یکی از بزرگترین موانع برای درک مشترک و موضعگیری هماهنگ در برابر پدیده‌های منفی است. در یک جامعه بسته، افراد به دلیل ترس از عواقب اظهارنظر، سکوت اختیار می‌کنند و این سکوت، فضای لازم برای رشد افکار و ایده‌های مخرب را فراهم می‌آورد. گفتمان آزاد به شهروندان اجازه می‌دهد تا در فضایی امن و بدون ترس از قضاوت یا سرکوب، نظرات و تجربیات خود را به اشتراک بگذارند. این تبادل نظر، به شکل گیری خرد جمعی منجر می‌شود که بسیار قدرتمند تر و کارآمد تر از تصمیم‌گیریهای فردی است.

در چنین فضایی، هر ایده، حتی اگر در ابتدا نامتعارف به نظر برسد، فرصت شنیده شدن پیدا می‌کند. این گفتگوها، نه تنها به پالایش ایده‌ها کمک می‌کنند، بلکه به تقویت همبستگی و انسجام اجتماعی نیز منجر می‌شوند. وقتی افراد احساس می‌کنند صدایشان شنیده می‌شود و در تصمیم‌گیری‌های مربوط به آینده خودشان سهیم هستند، حس تعلق و مسئولیت پذیری بیشتری پیدا می‌کنند. این "من‌ها" به "ما" تبدیل می‌شوند؛ مایی که قادر است با یک موضع گیری مشترک و قوی، در برابر پدیده‌های مخربی مانند خشونت بایستد و آنها را به حاشیه براند. دیکتاتوری تنها به یک رهبر محدود نمی‌شود، بلکه به عنوان یک دستگاه فکری در تار و پود جامعه رسوخ می‌کند. این دستگاه، افراد را به انفعال، بی‌تفاوتی و دوری از تفکر انتقادی سوق می‌دهد. وقتی جامعه از نقد و گفتمان آزاد تهی می‌شود، فضای عمومی به سمت سطحی نگری و "لودگی" پیش می‌رود، زیرا پرداختن به مسائل عمیق اجتماعی، از نظر روانی و فکری پرهزینه است.

این معضل، در میان گروه‌هایی که قرار است پرچمدار تغییر باشند، یعنی نیروهای سیاسی و روشنفکران، بسیار خطرناکتر است. **تشتت و پراکندگی در میان این گروه‌ها، اغلب نشانه‌ای از نبود درک مشترک و مهارت نقد سازنده است.** زمانی که یک جریان سیاسی نتواند به صورت دورنی با اختلاف نظرها برخورد کرده و آنها را از طریق گفتمان آزاد حل کند، نمی‌تواند الگویی برای جامعه باشد. نقد، به این گروه‌ها کمک می‌کند تا نقاط ضعف خود را بشناسند، از آنها عبور کنند و به انسجام و قدرت بیشتری دست یابند.

برای غلبه بر این پدیده نادرست، باید آگاهانه و با شجاعت، فرهنگ نقد و گفتمان آزاد را ترویج دهیم. این کار، نیازمند **تغییر نگرش از "نقد برای رد کردن" به "نقد برای رشد کردن"** است. باید فضاهایی را ایجاد کنیم که در آن افراد تشویق شوند تا با احترام، ایده‌ها را به چالش بکشند، نه افراد را. این فرایند، ذهنهای یخ زده را گرم کرده و به آنها توانایی می‌دهد تا با دیدی روشن تر، مسائل اجتماعی را تحلیل کرده و در مسیر ساختن جامعه‌ای پویا و آگاه گام بردارند.

در نهایت، نقد و گفتمان آزاد، دو روی یک سکه اند؛ یکی ابزار است و دیگری بستر. با هم، آنها قدرتی دارند که می‌توانند تاریکی جهل و انجماد فکری را کنار زده و راه را برای رهایی و روشنایی هموار سازند.

پیروز باد انقلاب ملی-دمکراتیک ملت ایران به رهبری شاهزاده رضا پهلوی!

برقرار باد سامانه شاهنشاهی ایران! در بازپخش این فراخوان بکوشید!

هر آنچه که در این فراخوان چاپ می‌شود، دیدگاههای شخصی نویسندگان و یا گردانندگان آن است و ابدا هیچ مسئولیتی متوجه شهیر میهن، شاهزاده رضا پهلوی و دیگر جریانهای سیاسی هوادار سامانه پادشاهی نیست!